علی نیکزاد منتخب مجلس یازدهم:

رییس مجلس تصمیم گیر نهایی نیست، اداره کننده جلسه است

سرویس سیاسی– علی نیکزاد نماینده منتخب اردبیل در مجلس یازدهم در مورد وظایف و اختیارات رئیس مجلس گفت: مردم به نمایندگان رای داده‌اند که این رای بسیاری ارزشمند است و عزتی که نمایندگان دارند از رای مردم است، رییس مجلس و هیئت رییسه مجلس نیز باید بدانند عزتی که دارند از رای نمایندگان است؛ پس بنابراین اساس مجلس بر مشورت و پذیرفتن رای است. وزیر مسکن و شهرسازی دولت دوم احمدی نژاد افزود: رییس مجلس باید با مشورت و رایزنی با نمایندگان تصمیم بگیرد برای اینکه نمایندگان اگر تکریم نشوند و حس مشارکت جویی نداشته باشند و عملا قبول نداشته باشند رای شان اثرگذار است، پس چرا مجلس تشکیل شده است؟

کاندیدای احتمالی ریاست مجلس یازدهم افزود: رییس مجلس و هیئت رییسه باید بدانند که عزت شان از رای نمایندگان است و رییس مجلس باید نگاهش نماینده محور و بر اساس حفظ عزت نمایندگان باشد و بر همین اساس امورات را پیش ببرد.

استاندار سابق اردبیل خاطر نشان کرد: اینکه این فکر جاافتاده است که تصمیم گیر نهایی در مجلس رییس مجلس است را قبول ندارم، در قانون وظایف و اختیارات رییس مجلس مشخص است، رییس مجلس باید در اداره مجلس طبق آئین نامه داخلی عمل کند، در واقع رییس مجلس باید روابط بین نمایندگان را تنظیم کند و در نهایت به رای آنها تکمین کند.

وی گفت: مجلس یک وزارتخانه نیست که تمامی نقطه نظرات معاونین و مدیران شنیده شود و سپس تصمیم گیر نهایی وزیر باشد، حتی در دولت هم این گونه رفتار نمی شود. البته در دولت همه نقطه نظرات وزرا و معاونین بیان می شود و بعد رییس جمهور نقطه نظرات اش را بیان می کند و سپس برای هر موضوعی رای گرفته می شد و اگر رای اکثریت را نداشته باشد مصوب هیئت دولت نمی شود. در مجلس هم این گونه است ما نمی توانیم این را هضم کنیم که تصمیم گیر نهایی رییس مجلس است. منتخب مردم اردبیل در مجلس یازدهم تاکید کرد: وقتی ما در کنار هم می نشینیم بر عدالت، صداقت، توانمندی، سلامت، تدین و توانمندی و مدیریت یک فرد به صورت نسبی و نه مطلق ایمان داریم که به وی رای می دهیم، آن فرد نیز باید آن را حفظ کند.

ملاک در مجلس رای نمایندگان است و رییس مجلس تصمیم گیر نهایی نیست و بلکه اداره کننده جلسه است و باید رای و نظر نمایندگان را در هر صورتی چه مصوبات و چه سایر موارد ملاک و معیار قرار دهد. این وزیر دولت دهم همچنین در پاسخ به سوالی در مورد اینکه در صورت ریاست مجلس تا چه اندازه رویکرد تعاملی با دولت برای حل مشکلات فعلی کشور خواهید داشت، گفت: مجلس برای این تشکیل می شود که به نیابت از مردم مطالبات به حق مردم را مورد پیگیری قرار دهد، مجلس علاوه بر قانونگذاری باید به اجرای صحیح آن نظارت کند، این دولت که مستقر است باید خود را برای کارهای مهم آماده کند، در نحوه اداره کشور دولت باید ایفای نقش کند .بی تعارف مردم از قوه مجریه رضایت ندارند.

این نماینده اصول گرا ادامه داد: ما در انتخابات، کف خیابان بودیم و می دانیم مردم از دولت رضایت ندارند، مشکلات معیشتی، عدم اشتغال و مسکن و همچنین مشکلاتی در بخش های بروکراسی اداری دارند و در عین حال خواستار عزت مندی برای خودشان هستند.

این کاندیدای ریاست مجلس گفت: مردم معتقدند که اقداماتی که در عرصه بین المللی انجام شده است، سبب تحقیر مردم ایران شده است؛ بنابراین ما باید به دنبال یک برنامه تحول زا و کارآفرین و ثروت آفرین برای مردم باشیم، باید از این تنبلی، رخوت و سستی بیرون بیاییم، همین گونه که در بحث کرونا دولت وسط میدان آمده است و همه نیز کمک می کنند که کرونا را جمع و جور کنند در بحث اقتصاد نیز نیاز به چنین اقدامی داریم.

وی تاکید کرد: یک مجلس انقلابی با رویکرد جهادی و با تفکر انقلابی یک دولت فعال و پای کار را می خواهد، بنابراین مجلس یازدهم در کنار مردم خواهد بود و غیر از این نباید باشد چرا که مردم به نمایندگان رای دادند که مشکلات شان برطرف شود، با محافظه کاری و کم کاری و بده بستان نمی توان مشکلات مردم را حل کرد. وی افزود: باید از کسانی که در دولت موفق بودند، تشکر شود و کسانی که موفق نبودند نیز باید رویکردشان را عوض کنند و مجلس نیز نباید چوب لای چرخ دولت بگذارد بلکه ریل گذاری کند، در کنار دولت بایستد و در کنار دولت مشکلات را رفع کند البته به شرطی که دولت تمام قد پای کار بیاید و در این مدت باقی مانده کارهای اساسی را انجام دهد که در تاریخ بماند و این کارها در نزد مردم و به کام مردم شیرین بیاید. منتخب مردم اردبیل در مجلس یازدهم گفت: مشکلات مردم با قانون گذاری و نظارت بر اجرای قانون توسط نمایندگان و همچنین تلاش مجدانه قوه مجریه حل می شود و اگر این اتفاق نیفتد، تشکیل مجلس انقلابی به چه درد می خورد؟ باید یک مجلس انقلابی تشکیل شود و دولت نیز رویه اش را عوض کند و کارهایش را جدی بگیرد و کمربندها را نیز محکم ببندد ،تا مجلس و دولت دست در دست هم بتوانند کاری را برای مردم انجام دهند.

نیکزاد خاطرنشان کرد: قانون تکلیف دولت و مجلس را مشخص کرده است اما مردم عالی ترین، بهترین و عادل ترین داور هستند که ببینند چه کسی کم کاری می کند و مجلس باید بدون لابی و بدون کتمان واقعیت و با رعایت حدود قانونی، انسانی و شرعی به تکلیف اش عمل کند. دولت هم اگر مشکلی دارد و گیر قانونی دارد به مجلس رجوع کند تا دست اش باز باشد که برای مردم کاری را انجام دهد و این برای آینده و آخرت دولتمردان نیز خوب است.

علی مطهری دلایل ردصلاحیتش را اعلام کرد

سرویس سیاسی– آنچه که به بنده به عنوان دلیل رد صلاحیت گفتند سه چیز بود. یکی اینکه چرا گفته‌اید «نهم دی اگر موجب تفرقه شود دیگر یوم الله نیست بلکه یوم الشیطان است.» دیگر اینکه «چرا گفته‌اید ما با آقای ابراهیم یزدی رفتار خوبی نداشتیم؟» سوم اینکه گفتند چرا درباره رفع حصر خانگی محصوران صحبت کرده‌اید؟

علی مطهری نماینده مردم تهران در مجلس دهم، در نامه‌ای علل رد صلاحیتش را اعلام کرد. علی مطهری نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به روزنامه کیهان که در کانال تلگرامی خود منتشر کرده است، نوشت: «در صفحه ۱۱ روزنامه کیهان شماره چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت مطلبی با عنوان «علی مطهری اگر جرئت دارد علت رد صلاحیت خود را بیان کند» درج شده بود و در ذیل آن بخشی از مصاحبه آقای کدخدایی با روزنامه شرق آمده بود که عنوان مطلب و متن آن تناسبی با هم نداشت.

آنچه که به بنده به عنوان دلیل رد صلاحیت گفتند سه چیز بود. یکی اینکه چرا گفته‌اید «نهم دی اگر موجب تفرقه شود دیگر یوم الله نیست بلکه یوم الشیطان است.» گفتم درست است، الان هم همین را می گویم. دیگر اینکه گفتند «چرا گفته‌اید ما با آقای ابراهیم یزدی رفتار خوبی نداشتیم؟» گفتم هنوز هم همین را می گویم، نیازی نبود آن پیرمرد را بازجویی و زندانی کنیم. سوم اینکه گفتند چرا درباره رفع حصر خانگی محصوران صحبت کرده‌اید؟ شما باید بگویید نظر من بر رفع حصر بوده ولی وقتی نظر رهبری را شنیدم نظرم عوض شد. گفتم اولاً من دروغ نمی گویم. ثانیاً خود مقام [معظم] رهبری گفته‌اند ممکن است کسی نظری مخالف نظر من داشته باشد، باید آزاد باشد حرفش را بزند. بعد به آن حقوقدان شورای نگهبان گفتم من متأسفم که شما با این طرز فکر عضو شورای نگهبان هستید. حیف خون شهید مطهری که به زمین ریخت تا من امروز این حرف‌ها را از شما بشنوم.

بنابراین آنچه که به بنده برای دلایل رد صلاحیت گفتند همین بود و البته اگر به آن حقوقدان شورای نگهبان می گفتم «درست می فرمایید، من اشتباه کردم» قطعاً صلاحیت من تأیید می شد ولی من پا روی اصول نگذاشتم و نخواستم این رویه غلط یعنی رد صلاحیت به خاطر اظهارنظر ادامه پیدا کند و این بلا به سر دیگران نیز بیاید. اما موضوع خبرنگاران را که آقای کدخدایی گفته‌اند آقای مطهری می توانستند خبرنگاران را به داخل جلسه ببرند، اولین بار است که می‌شنوم. موضوع خبرنگاران اصلاً به من گفته نشد که می توانید خبرنگار به داخل جلسه ببرید. فقط زمان خروج، یک نفر به من گفت می توانید با خبرنگار مصاحبه کنید. من ملاحظه شورای نگهبان را کردم. اگر به خبرنگار می گفتم به این دلایل مرا رد صلاحیت کرده‌اند، به ضرر شورای نگهبان تمام می‌شد و شاید اصلاً منتشر نمی کردند.»

محسن آرمین:

اصلاح‌طلبی بدون قانع شدن حاکمیت به ضرورت اصلاحات بی نتیجه است

■ کاهش سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان نتیجه منطقی و طبیعی کاهش سرمایه اجتماعی نظام است

سرویس سیاسی– محسن آرمین چهره‌ی شناخته شده‌ی جریان اصلاح‌طلبی نیز به زمره‌ی کسانی قرار گرفت که از ضرورت بازسازی اصلاحات سخن می گویند.

او در گفت‌وگو یی از ضعف‌های جریان سیاسی اصلاحات سخن گفته و از این که این جریان مدتی است به حاشیه رفته است. آرمین هم ایده‌ی خروج از حاکمیت را که سال‌ها پیش عباس عبدی مطرح کرده بود نقد می‌کند و آن را یک ایده‌ی انحرافی می‌خواند و هم حضور به هر قیمتی در قدرت را یک ایده انحرافی می‌داند. او اگرچه به ناکارآمدی وضعیت دولت انتقاد دارد اما حمایت اصلاح‌طلبان از روحانی در سال ۹۲ را یک ضرورت حیاتی می‌خواند و وضعیت امروز کشور را حاصل مدیریت روحانی نمی‌داند. متن این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید:

می‌توان گفت، جریان اصلاحات باید به استقبال حاشیه‌نشینی مجدد برود؟

به گمان من اصلاحات مدتی است که به حاشیه رفته است. این روند از دور دوم ریاست جمهوری آقای روحانی آغاز شد و با توجه به حوادث و تحولات مهمی که طی یکی دو سال اخیر رخ داده است، قدرت تأثیرگذاری جریان اصلاحات در عرصه سیاسی و عمومی به شدت لطمه خورده است.

اصلاح‌طلبان با چه سازوکاری می‌توانند در عرصه خودنمایی کنند؟

هر جریان سیاسی باید بتواند خود را با شرایط متغیر اجتماعی و سیاسی تطبیق دهد. بازسازی و تجدیدنظر در سازماندهی و استراتژی و تاکتیک‌ها شرط پویندگی و تداوم حیات هر جریان سیاسی است. به گمانم اصلاحات در هر سه سطح نیاز به تجدیدنظر دارد. به هر حال افتراق جبهه اصلاحات در جریان انتخابات اخیر مجلس نشان داد که اولاً شورای عالی سیاست‌گذاری به عنوان مغز و کانون فرماندهی جریان اصلاحات از اقتدار لازم برای ایجاد هماهنگی سازمانی و اداره بخش‌های مختلف این جریان برخوردار نبوده است.

همچنین اختلاف بخش‌های مختلف جریان اصلاحات در قبال انتخابات صرفاً اختلاف در قبال یک پدیده یا رخداد در عرصه سیاسی نبود، بلکه ناشی از اختلاف در استراتژی و نیز در تاکتیک بود. بنابراین فکر می‌کنم جریان اصلاحات برای تداوم و بقا به شدت نیاز به بازسازی در سه سطح سازماندهی، تحلیل راهبردی از شرایط و تدوین تاکتیک‌های جدید متناسب با شرایط روز دارد. به نظر می‌رسد، شرایط فعلی شرایط مناسبی برای این تجدیدنظر است. اکنون اصلاح‌طلبان در شرایطی شبیه شرایط نیروهای چپ خط امام در نیمه نخست دهه هفتاد قرار دارند. در آن مقطع نیز حاکمیت تصمیم به حذف این جریان از صحنه قدرت گرفت. آن تصمیم نیز از انتخابات مجلس چهارم به اجرا گذاشته شد و با اعمال نظارت استصوابی نیروهای چپ خط امام از مجلس و بعد از دولت کنار گذاشته شدند.

در آن مقطع نیز بخش‌هایی از این جریان جدا شدند و این جریان فارغ از قدرت رسمی به تجدیدنظر و بازسازی خود و ارتباط با جامعه پرداخت تا در نیمه دهه هفتاد توانست با دیدگاه‌های نو، راهبرد مشخص و برنامه‌های روزآمد و متکی به یک پشتوانه عظیم اجتماعی به صحنه بازگردد. به هر حال اصلاح‌طلبان باید میان ادامه روند کنونی و درنتیجه استحاله شدن و تبدیل شدن به یک نیروی پراگماتیست طالب حضور در قدرت تحت هر شرایط و بازیگری در لابی‌های قدرت و بده بستان‌های پشت پرده از یک سو و تجدیدنظر در سازماندهی و دیدگاه‌های راهبردی خود و باقی ماندن به مثابه یک نیروی مردمی و دارای برنامه‌های کارآمد از سویی دیگر، یکی را انتخاب کنند.

اینکه گفته می‌شود اصلاح‌طلبان چوب دولت روحانی را خوردند، تا چه میزان تحلیلی صحیح است؟

به نظرم این حرف، هم صحیح است و هم غلط. صحیح است به خاطر اینکه تصمیمات و موضع‌گیری‌ها و خطاهای دولت روحانی به هر حال به پای اصلاح‌طلبان هم نوشته شد. چون به هر حال اصلاح‌طلبان در هر دو دوره انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته بی‌قید و شرط از آقای روحانی حمایت کرده بودند. مضافاً به اینکه هم جریان اقتدارگرای حاکم با تمام قدرت تبلیغاتی و سیاسی خود و هم جریان برانداز و مخالف نظام با تمام توان و به پشتوانه رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در تلاشی سازمان‌یافته کوشیدند اصلاح‌طلبان را برابر افکار عمومی مسئول تمام ضعف‌ها و خطاهای دولت روحانی معرفی کنند.

حضور در انتخابات سال ۹۲ برای اصلاح‌طلبان یک ضرورت حیاتی بود. عدم حضور در آن مقطع می‌توانست به مرگ این جریان بینجامد. در سال ۹۶ شرایط بعد از توافقنامه برجام بود و جامعه به نتایج این دستاورد بزرگ کاملاً امیدوار بود. در آن شرایط اگر اصلاح‌طلبان مجدداً از آقای روحانی حمایت نمی‌کردند، امروز همان‌ها که اصلاح‌طلبان را به خاطر حمایت از روحانی مورد انتقاد قرار می‌دهند، اصلاح‌طلبان را مسؤل اصلی شکست برجام معرفی می‌کردند که با عدم حمایت از روحانی موجب شکست وی و بی‌نتیجه ماندن برجام شدند.

این تحلیل همچنین غلط است چون حمایت اصلاح‌طلبان از آقای روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری موضع‌گیری سیاسی خطایی نبود. آقای روحانی کاندیدای اصلاح‌طلبان نبود، اما تنها کاندیدای متفاوت میان کاندیداهایی بود که همگی می‌توانستند در صورت پیروزی جریان اقتدارگرا را نمایندگی کنند و مجری دیدگاه‌ها و سیاست‌های اقتدارگرایان حاکم باشند.

از سوی دیگر اصلاح‌طلبان پس از یک دهه برخورد همه‌جانبه تبلیغاتی، سیاسی و امنیتی و در شرایطی که دستگاه‌های تبلیغاتی مرگ اصلاحات را اعلام می‌کردند، آمده بود تا به رغم محروم بودن از کاندیدای اختصاصی ثابت کند هنوز زنده و از پشتوانه اجتماعی عظیمی برخوردار است؛ به‌طوری‌که می‌توانند با یک «تکرار می‌کنم» همه برنامه‌های از پیش طراحی شده را با شکست مواجه کند و حضور خود را به مثابه یک نیروی تأثیرگذار و تعیین‌کننده سیاسی ثابت کند.

بنابراین به ویژه حضور در انتخابات سال ۹۲ برای اصلاح‌طلبان یک ضرورت حیاتی بود. عدم حضور در آن مقطع می‌توانست به مرگ این جریان بینجامد.

در سال ۹۶ شرایط بعد از توافقنامه برجام بود و جامعه به نتایج این دستاورد بزرگ کاملاً امیدوار بود. در آن شرایط اگر اصلاح‌طلبان مجدداً از آقای روحانی حمایت نمی‌کردند، امروز همان‌ها که اصلاح‌طلبان را به خاطر حمایت از روحانی مورد انتقاد قرار می‌دهند، اصلاح‌طلبان را مسؤول اصلی شکست برجام معرفی می‌کردند که با عدم حمایت از روحانی موجب شکست وی و بی‌نتیجه ماندن برجام شدند.

من البته فکر می‌کنم دولت روحانی مسؤل اصلی وضعیت نامساعد موجود در عرصه‌های سیاسی اقتصادی و سیاست خارجی نیست. در عین حال معتقدم ضعف کادر مدیریت دولت و اشتباهات و خطاها و عدم ایستادگی اصولی بر مواضع به گونه‌ای است که اصلاح‌طلبان را در حمایت از دولت آقای روحانی برابر افکار عمومی خلع سلاح کرده است.

عده‌ای می‌گویند برای اصلاح‌طلبی لزوما احتیاجی به بودن در قدرت نیست. نظر شما در این‌باره چیست؟

یک نیروی سیاسی اجتماعی نمی‌تواند به حضور در قدرت نیندیشد، چرا که چنین چیزی با ماهیت جریان‌های سیاسی تعارض دارد. اما متقابلاً حضور در قدرت به هر قیمت یک نیروی سیاسی را به نیرویی پراگماتیست، و اسیر روزمرگی و فاقد اهداف راهبری تبدیل می‌کند. اصلاح‌طلبان البته باید هم حضور در قدرت و هم حضور در عرصه اجتماعی را توأمان در دستور کار خود داشته باشند. به گمان من دو خطر یا بهتر است بگویم دو انحراف همواره جنبش اصلاحی را تهدید می‌کرده است.

انحراف نخست شعار خروج از حاکمیت و روی آوردن به فعالیت‌های مدنی و اجتماعی است که از همان دوره دولت و مجلس اصلاحات مطرح می‌شد و دیگری حضور به هر قیمت در قدرت است که بخش‌های محافظه‌کار اصلاحات امروز بر آن تأکید دارند. به گمان من علی‌الاصول این دو با هم قابل جمع بلکه تا حدودی لازم و ملزوم یکدیگرند، یعنی حضور در حاکمیت می‌تواند پشتوانه فعالیت مؤثرتر نهادهای مدنی اصلاح‌طلب باشد. در عین حال باید توجه داشت، حضور در حاکمیت فی نفسه هدف نیست، اگر این حضور مؤثر نباشد و شعار حضور برای اصلاح جای خود را به شعار حضور برای حضور بدهد، نه‌تنها در خدمت اهداف اصلاح‌طلبانه نخواهد بود بلکه به استحاله اصلاح‌طلبان بدل می‌شود.

قطعاً تحولات سال‌های اخیر موجب ریزش بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان شده است. این واقعیت همان‌قدر که غیرقابل انکار است، طبیعی هم هست. بدین معنی که کاهش سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان نتیجه منطقی و طبیعی کاهش سرمایه اجتماعی نظام است. طی سال‌های اخیر به سبب رویکردهای غلط و تصمیمات استراتژیک خطا در سطح اداره کلان کشور، اعتماد عمومی به کارآمدی و امید به آینده‌ای بهتر به شدت تضعیف شده است.

به گمانم این اتفاق اکنون رخ داده است. برخی از مدیران میانی دولت نظیر استانداران و فرمانداران افرادی با سابقه اصلاح‌طلبی هستند و ای بسا با انگیزه پیشبرد اهداف اصلاح‌طلبانه و اصلاح امور این مسؤولیت را پذیرفته‌اند، اما اکنون به مدیرانی منفعل تبدیل شده‌اند که فقط به حفظ موقعیت و مسؤولیت می‌اندیشند.

آنها نه‌تنها قادر به هیچ اثرگذاری اصلاح‌طلبانه قابل توجهی نیستند بلکه در همان انجام وظایف اداری و شغلی نیز به ناگزیر از همکاران اصول‌گرای خود نیز محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند. به گمان من چنین حضوری در قدرت نه‌تنها مفید نیست، بلکه برای اصلاح‌طلبان مضر است.

اصلاح‌طلبان مشخصا برای انتخابات ۱۴۰۰ با توجه به شرایط چه برنامه‌ای می توانند داشته باشند؟

چنان که گفتم اصلاح‌طلبان پیش از هر چیز باید به بازسازی و تجدید نظر در سطح سازمانی و راهبردها و تاکتیک‌ها بپردازند. آنان باید تکلیف خود را با دوگانه حضور در قدرت یا فعالیت اجتماعی و حضور در جامعه مدنی روشن کنند و صریحاً به این پرسش پاسخ دهند آیا خواهان حضور به هر قیمت و تحت هر شرایط در نهادهای حاکمیت نظیر مجلس و دولت هستند و حاضرند یا این حضور را مشروط و مقید به امکان نقش‌آفرینی مؤثر می‌دانند؟

در موازنه میان جلب اعتماد و رضایت کانون‌های قدرت از یک سو، و تعامل با جامعه و حفظ اعتماد بدنه اجتماعی خود از سویی دیگر، چگونه می‌خواهند عمل کنند؟ به گمانم پاسخ به این پرسش هم تکلیف سازماندهی و ائتلاف‌ها و افتراق‌ها را در درون جریان اصلاح‌طلب روشن می‌کند و هم راه را برای تدوین راهبردها و تاکتیک‌ها هموار خواهد کرد.

کاهش سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان را قبول دارید و اگر بله، چرا چنین اتفاقی افتاده است و البته با توجه نشان دادن به چه الزام‌هایی می‌توانند سرمایه رفته را برگردانند؟

قطعاً تحولات سال‌های اخیر موجب ریزش بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان شده است. این واقعیت همان‌قدر که غیرقابل انکار است، طبیعی هم هست. بدین معنی که کاهش سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان نتیجه منطقی و طبیعی کاهش سرمایه اجتماعی نظام است. طی سال‌های اخیر به سبب رویکردهای غلط و تصمیمات استراتژیک خطا در سطح اداره کلان کشور، اعتماد عمومی به کارآمدی و امید به آینده‌ای بهتر به شدت تضعیف شده است.

حوادث تلخ و اسف‌بار سال‌های اخیر به ویژه آبان ۹۸ که بخش وسیعی از شهرهای کشور را در بر گرفت و با اعتراضات طبقات محروم و توده جامعه همراه بود، به روشنی از این واقعیت حکایت دارد. وقتی اعتماد عمومی کاهش پیدا می‌کند و امید به آینده‌ای بهتر تضعیف می‌شود، به طور طبیعی اعتماد و امید به کلیه نیروهای ملتزم به اصل نظام و خواهان اصلاح هم تضعیف می‌شود و این نیروها با ریزش بدنه اجتماعی مواجه می‌شوند. این حقیقتی است که اصلاح‌طلبان از دو دهه قبل پیش‌بینی می‌کردند و به اقتدارگرایان هشدار می‌دادند که گمان نکنید کارشکنی‌ها و ناامید کردن جامعه از اصلاحات و اصلاح‌طلبان موجب روی آوردن جامعه به شما می‌شود.

نتیجه سیاست‌های ضداصلاحی و لجاجت برابر اصلاح و کارآمدی ساختارها، ناامیدی جامعه خواهد بود. امروز این تحقق پیش‌بینی را در انتخابات اخیر مجلس مشاهده می‌کنیم. ریزش بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان و حذف آنها از صحنه رقابت موجب روی‌آوری جامعه به اصول‌گرایان و اقتدارگرایان نشد، بلکه به کاهش بی‌سابقه مشارکت مردم در انتخابات انجامید و حضور برخی از احزاب اصلاح‌طلب هم نتوانست مردم را به شرکت در انتخابات تشویق کند.

از نظر شما نگاه حاکمیت به حضور اصلاح‌طلبان در بطن قضایا چه نوع نگاهی است؟

اصلاحات به‌ویژه در سطح ساختارها نیازمند عزم ملی است. کم نبوده‌اند کشورهایی که حرکت‌های اصلاحی را تجربه کرده‌اند. در تاریخ معاصر کشور خود نیز شاهد حرکت‌های اصلاحی بوده‌ایم، اما تجربه نشان می‌دهد حرکت‌های اصلاحی تنها در کشورهایی به نتیجه رسیده‌اند که حاکمیت و مراکز قدرت به ضرورت اصلاحات پی برده و اراده‌ای در سطح ملی در این جهت شکل گرفته است.

متأسفانه در کشور ما چنین اراده‌ای برای اصلاحات در سطح حاکمیت وجود نداشته و ندارد. بنابراین اصلاحات در ۲۵ سال گذشته مسیری ناهموار و نامستمر را طی کرده است. ما هنوز در مرحله تلاش برای قانع کردن حاکمیت به ضرورت اصلاحات قرار داریم و تا چنین اقناعی صورت نگیرد حرکت اصلاح‌طلبی به نتیجه نخواهد رسید.

منتخب مجلس یازدهم:

نامزد ریاست مجلس باید هم برنامه و هم جرات اجرا داشته باشد

سرویس سیاسی– منتخب مجلس یازدهم با بیان اینکه ما دنبال رییس نیستیم بلکه دنبال کسی هستیم که برنامه داشته باشد و مشکلات را ریشه‌ای حل کند، افزود: نامزد ریاست مجلس باید هم برنامه و هم جرات اجرا داشته باشد.

الهوردی دهقانی گفت: رهبر معظم انقلاب، سال جدید را سال جهش تولید نامگذاری کردند زیرا آنچه که امروز جامعه ما با آن درگیر است، معیشت و اقتصاد مردم است.وی با بیان اینکه راه‌حل اصلی حل مشکلات اقتصادی کشور، تولید است، افزود: اگر تولید ما راه بیافتد هم اشتغال و اقتصاد و هم معیشت مردم تامین می‌شود و هم رکود و تورم تقریبا حل می‌شود.عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس نهم تصریح کرد: اولویت اصلی مجلس باید در جهت تشویق تولید و اتخاذ تصمیماتی باشد که مشکلات پیش روی تولید را حل کند. وی با اشاره به مزیت‌های کشور در حوزه صنایع معدنی و نفتی، خواستار فعال شدن بخش تولید در حوزه فرآورده های نفتی و پتروشیمی شد.

منتخب مجلس یازدهم، وجود ذخایر گسترده انرژی در کشور را یادآور شد و افزود: ما از نظر ذخایر انرژی در دنیا مقام اول و دوم را داریم که باید از مواد اولیه نفت و گاز، فرآورده‌های سوختی مثل بنزین، گازوئیل، سوخت هواپیما و محصولات مشابه برای صادرات به کشورهای منطقه و حتی اروپا استفاده کنیم. دهقانی، مواد اولیه محصولات پتروشیمی و محصولات میانی و نهایی آن را از دیگر حوزه‌هایی عنوان کرد که ایران در آن مزیت دارد و افزود: ما از نظر معادن، در فهرست ده کشور برتر دنیا هستیم که با استفاده از شرکت‌های دانش‌بنیان، فناوری‌های نوین و سرمایه‌های بخش خصوصی می‌توانیم در صنایع میانی و تولید محصولات نهایی در منطقه و دنیا حرف برای گفتن داشته باشیم.

وی با تاکید بر توجه به اقتصاد تولیدمحور و برون‌نگر تصریح کرد: با تکیه بر امکانات، توانمندی‌ها، نیروهای خلاق و منابع و دانش فنی داخلی و بازار کشورهای همسایه می توانیم اقتصاد تولیدمحور را راه‌اندازی کنیم و برای تحقق این هدف، همه ابزارهای کار را در اختیار داریم. منتخب مردم ورزقان تصریح کرد: بعضی جاها هم نیاز به اصلاح ساختار داریم، چه در بدنه اجرایی و اقتصادی کشور و چه در مجلس که باید انجام شود تا فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص جهش تولید و گام دوم انقلاب در بخش مالی و اقتصادی تحقق پیدا کند.

الهوردی دهقانی با اشاره به جمله امام خمینی(ره) در خصوص این موضوع که مجلس در راس امور است، گفت: مجلس در کنار اینکه اختیاراتی دارد مشکلاتی هم در ایفای نقش خود دارد.

نظارت از قانون‌گذاری مهم‌تر است

وی، قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قانون را دو وظیفه اصلی مجلس عنوان کرد و گفت: حوزه نظارت بسیار با اهمیت‌تر از حوزه تقنین و قانون‌گذاری است.

این فعال سیاسی با بیان اینکه قانون به اندازه کافی هست و اگر نیاز به اصلاح قانون یا قانون جدید یا تغییر باشد اینها خیلی راحت انجام می شود، خاطرنشان کرد: مشکل اصلی ما در کشور، عدم اجرای درست قانون و عدم وجود نظارت کافی و تاثیرگذار است. دهقانی گفت: مجلس باید بر دستگاه‌های اجرایی کشور و عمدتا دولت نظارت کند و می‌تواند رییس‌جمهوری و دولت را استیضاح کند و کنار بگذارد ولی تبعات این کار معمولا برای کشور سنگین است. نماینده ادوار مجلس خواستار تغییر ساختار سیاسی کشور به شکلی شد که دولت بتواند در مقابل مجلس انعطاف بیشتری نشان دهد و گفت: همانطور که مقام معظم رهبری در جایی فرمودند لازم است یک تفاهم کلی در حاکمیت داشته باشیم و کاری کنیم که دولت منعطف و مجری برنامه نوشته شده در مجلس و نمایندگان پاسخگو باشد. دهقانی معتقد است: ساختار سیاسی فعلی کشور طوری است که مجلس نمی‌تواند حتی در صورت اشتباه دولت و رییس آن، مجبور است صبر کند تا دوره دولت تمام شود و دولت دیگری سرکار آید.

وی افزود: اگر این امر تسهیل و نهادینه شود، دولت‌ها و مجریان کشور کارآمدتر خواهند شد و مردم هم اگر احساس کنند که تصمیماتشان تا این حد تاثیرگذار است با درصد مشارکت بالایی در صحنه حضور خواهند داشت.

عضو کمیسیون صنایع و معادن در مجلس نهم گفت: شاید نیاز به اصلاح قانون اساسی داریم که سیستم نخست‌وزیری را احیا کنیم تا اگر دولت ناکارآمد بود، مجلس دولت را برکنار کند زیرا با حذف یا استیضاح یک وزیر، مشکل اجرایی و اقتصادی کشور حل نمی شود.وی با اشاره به نقش سران قوا در تصمیم‌گیری‌های کشور گفت: سران قوا سه نفر هستند و در مورد مسائل کشور تصمیم می گیرند که اگر دو نفرشان، نظرش یکی باشد آن موضوع مصوب است.

تصمیمات مجلس نباید فردمحور باشند

منتخب مجلس یازدهم به نقش شورای سران قوا در اصلاح قیمت بنزین و اغتشاشات بعد از آن اشاره و تصریح کرد: رییس مجلس یا سران قوا که حق قانون‌گذاری ندارند؛ وقتی تصمیم به این مهمی می گیرد لازم است به صورت لایحه یا طرحی در مجلس مصوب شود یا دولت مصوب کند و مجلس هم نظارت داشته باشد.دهقانی با بیان اینکه این قبیل تصمیم‌های فردمحور مشکل ساز می شوند و ضعف مجلس و ساختارهای اجرایی کشور را نشان می‌دهند، تصریح کرد: اگر سران قوا می‌دانستند که مجلس فعالی وجود دارد که می تواند آنها را استیضاح کند چنین تصمیمی نمی گرفتند و اینها به مشکلات ساختاری نظام بر می گردد.

منتخب مجلس یازدهم درباره ترکیب هیات رییسه این مجلس نیز گفت: منتخبان این مجلس، اکثرا اصولگرا هستند و طبیعی است که رییس مجلس و هیات رییسه از اصولگراها باشند و سلیقه های مختلفی در اصولگراها هست و هر کسی هم که توانمندی ریاست مجلس را در خودش ببیند می تواند کاندیدا شود و ما اینجا نماینده تر نداریم، لذا این نمایندگان هستند که تصمیم می گیرند و از بیرون هم به مجلس نباید خط بدهند و اگر خط هم بدهند نتیجه نخواهد داد.

دهقانی به رایزنی‌های نامزدهای هیات رییسه در روزهای اخیر اشاره کرد و گفت: اینها باید رایزنی‌های خود را انجام دهند به شرطی که برنامه‌های خود را هم ارائه و اعلام کنند چه برنامه‌ای برای حل مشکلات کشور دارند.

دنبال رفع عیب‌های ساختاری کشور باشیم

وی با بیان اینکه ما دنبال رییس نیستیم بلکه دنبال کسی هستیم که برنامه داشته باشد و مشکلات را ریشه‌ای حل کند، افزود: نباید این طور باشد که ما بیاییم چند موضع سیاسی بگیریم که مثلا یک سال دیگر یک جریان سیاسی دیگر را سرکار بیاوریم و هشت سال حاکم باشیم و به همین خاطر هم عیب‌های اساسی که در ساختار اجرایی کشور وجود دارد را نبینیم.

این کارشناس مسائل سیاسی گفت: آنهایی باید برای نامزدی هیات رییسه کاندیدا شوند که برنامه داشته باشند و جرات انجام برنامه را هم داشته باشند والا هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. دهقانی گفت: تصمیم نهایی در مورد هیات رییسه زمانی گرفته خواهد شد که نمایندگان چه در فراکسیون اکثریت و چه در مجلس جمع شوند و با توجه به سوابق، برنامه‌ها، توانایی‌ها و آمایش سرزمینی رای دهند که آن هم برای یک سال است و همیشگی نیست.وی با بیان اینکه اصولگرایان حدود ۲۵۰ نفر هستند و عده ای به نام مستقل آمده‌اند ولی اصولگرا هستند، تصریح کرد: اصولگرا کسی نیست که احزاب اصولگرا وی را در لیست قرار داده باشند بلکه کسانی هستند که به طرز فکر و سبک سیاسی اصولگرایی اعتقاد و التزام عملی داشته باشند.منتخب مجلس یازدهم گفت: ممکن است کسی با لباس اصولگرایی بیاید ولی عملکردش اصلاح‌طلبانه باشد یا بر عکس اصلاح‌طلب باشد ولی عملکرد اصولگرایانه داشته باشد.دهقانی معتقد است خط‌کشی برای سنجش اصولگرایی یا اصلاح‌طلبی وجود ندارد و افزود: بیش از ۸۰ درصد مجلس اصولگراست و مستقلین و اصلاح‌طلبان هم هستند ولی تاثیرگذار نخواهند بود.

وی گفت: حزب موتلفه، جبهه پایداری، رهپویان یا پیروان امام و خط رهبری در یک جبهه قرار گرفته‌اند و از بین هر کدام از اینها ممکن است کاندیدایی بیاید و در نهایت در فراکسیون رای‌گیری می‌شود و فرد دارای رای اکثریت معرفی می‌شود مگر اینکه بعد از اینکه یک نفر رای اکثریت را آورد، سلایق دیگری بگویند ما این را نمی‌پذیریم و خودمان در مجلس کاندیدای مستقل دیگری می‌دهیم؛ این موضوع دیگری است که فکر می کنم راه به جایی نمی‌برد.

اقتصاد کیش روزنامه

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹